

متن پرسش

سلام: در سوال ۴۰۵۷۳ در خصوص وجود عالمی پیش از این دنیا برای آزمایش انسان ها و سپس برگزیده کردن آدمها، اینطور پاسخ دادید: لازم به چنین فرضی نیست. کافی است متوجه علم خداوند به شخصیت افراد باشیم به همان معنای «علم قبل ما یکون» یعنی قبل از آن که آن حادثه ها و یا افراد متولد شوند و به ظهور آیند و لذا شایستگی هایی که آن افراد جهت هدایت انسان ها دارند در علم خداوند هست و از این جهت آنان را پرورش خاصی می دهد تا در وظیفه الهی خود موفق باشند. /

خب مجدد سوال ایجاد میشه که شخصیت افراد و استعداد های بالقوه شون، که در دنیا قراره بالفعل بشه رو کی بهشون داده؟ اون تقوا و توانمندی و روحیه و ایمانی که علم خداوند میدونه در شخص وجود داره و به قول شما به همین علت اون اشخاص رو برگزیده میکنه، خب خود خداوند هم این استعداد ها رو به اون اشخاص داده. از خودشون ماهیت و هستی ندارن که. شهید مطهری در کتاب عدل (که خودتون بهم گفتید بخون) فرمودن عدل به معنای مساوات نیست چون قوای اشخاص یکسان نیست. خب همینکه قوا یکسان نیست خودش بی عدالتیه. همینکه من ذاتا نسبت به بقیه اعضای خانوادهم کشش خیلی خیلی بیشتری به معنویات و عالم غیب داشتم خودش بی عدالتیه، چه برسه به اینکه بخاطر این کشش ذاتی که از کودکی داشتم و هیچ تلاشی براش نکردم، مقرب تر هم باشم و بهشتی شم و اونا جهنمی شن فقط بخاطر اینکه شرایط زندگیشون طوری نبود که فرصت کنن با خدا آشنا شن. بیخیال استاد حرفامو کش نمیدم، این یه دور باطله. فقط داریم با کلمات بازی می کنیم. فرمایشات جنابعالی و شهید مطهری و هیچ یک از اساتیدی که ازشون این سوالارو پرسیدم و جواب سر بالا میدن رو نمی پذیرم. برای همین اصلا انسان برگزیده توی کتم نمیره، چه برسه به نظام سیاسی. نه اینکه از عناد و غرور جوانی باشه، من رو سیاه غلط بکنم، میگم از لحاظ عقلانی نمیفهممش و مطالعه بیشتر بنده رو دچار ضلالت بیشتر و سوالات بیشتر میکنه. مگه ما کی هستیم که بگیم خدا از چی خوشش میاد و از چی نمیاد! این تکبر واقعیه! چه برسه به اینکه من اصلا حکمت ایران دنیا اومدن و شیعه دنیا اومدن رو نمی فهمم، بین ۹ میلیارد انسان روی کره زمین فقط ۹۰ میلیون اسم رهبر و جمهوری اسلامی و مکتب تشیع به گوششون خورده. اونا بنده های خدا نیستن؟ چرا ما باید «اعلون» باشیم فقط بواسطه دینی که بدو تولد بهمون داده شده؟ مشاهده می فرمایید. حرف حرف میاره. اینجوری همیشه پیش رفت اصلا. از نسل امروز که با فضای مجازی متولد میشه انتظار نداشته باشید بتونه بره روضه و ضجه های پیرزن ها رو تماشا کنه و شبهه براش ایجاد نشه. آخه که چی؟! الان خدا از عجز و لابهی ما خوشش میاد؟! خدا میگه پاشو خودتو جمع کن برو پی تلاش، پی

آموزش و آگاهی! فرستادمت توی دنیا که خودتو بسازی! استاد بخدا من قلبم سیاه نیست، میخوام بفهمم، نمیشه! هرچی بیشتر بفهمی اوضاع خرابتر میشه! تو کتاب شماره سه از سلسله مباحثتون (که با دقت یادداشت برداری کردم و گوش کردم و مرور هم کردم اما فقط بیشتر در تفکر در ماهیت دین گیج شدم) فرمودید اول عقل رو باید مطمئن کرد تا قلب، ظهور خداوند رو حس کنه. والله اصلا خداوند عقلی نیست. من اگه بخوام به عقلم تکیه کنم همین امروز مرتد میشم، برای همین در اولین فرصت خودم رو از حوزه کشیدم بیرون و به سجاده ی خودم پناه بردم که از این شبهات بیشتر در امان بمونم. ذهن خود شیطانیه. اگه هیچ وقت تصمیم نگرفته بودم اینقدر در دین عمیق شم و سوال جواب کنم و این همه کتاب ها رو روی هم دیگه تلنبار کنم، ایمانم به دیانت و نبوت خیلی بیشتر میموند. این ۳ سال مطالعه و تفکر بیش از اندازه در شریعت اوضاعم رو خیلی خراب کرد. کی گفته حال بد نشونه آزمایش خداست برای ایمان آخر الزمانی؟! شایدم نشونه خداست برای اینکه داری مسیر رو اشتباه میری! خدا که آزار نداره ما رو بی دلیل آزمایش کنه با انواع بلاها و تردید ها برای اینکه مثلاً ببینه چند مرده حلاجیم! خب خودش میدونه! لابد این احساس های بد و حملات اضطرابی که ما اصطلاحاً مذهبی ها داریم تجربه می کنیم برای هشدار نسبت به پیشروی در مسیر غلطه! الان تبدیل به موجود ترسناکی شدم که بلده با زبون درازی و حاضر جوابی تمام شبهات رایج جامعه رو از خیلی از آخوند ها هم بهتر پاسخ بده، اما خودش در عمق وجودش از سوالاتش نسبت به اصل وجود وحی داره شرحه شرحه میشه... دین اشارهش به خداونده و ما گیر دادیم به انگشت اشاره!!! خوندن دین مثل اینه که در معبد رو بیرستی! برو توی معبد بچه جان! با ورود به تشکلات مذهبی و اسم مبلغ بودن تمام معصومیت و سادگیم رو از دست دادم. تنها چیزی که همیشه برام ثابت بوده و هست خود حضور خداونده. و اجازه ندادم موندن توی حوزه بیشتر از این به اعتقادم به شریعت هم صدمه بزنه. الحمدلله شما حوصله دارید این همه شاهد تردید های مردم باشید. از صبر ایوب هم بیشتر صبر میخواد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. در مورد علم خداوند به شایستگی های قبل از خلقت انسانها بحث بسیار مفصل است و به امکان ذاتی افراد بستگی دارد که جناب ابن عربی در فص «اسماعیلی» در «فصوص الحکم» با نظر به آیه «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه/۵) یعنی پروردگار ما است که خلقت هر موجودی را به او می دهد. بحث های خوبی به میان آورده مبنی بر آن که خداوند خلقت هر موجودی را به آن موجود می دهد. ۲. در مورد نظر به خداوند خوب است به بحث شب گذشته که موضوع «توحید و ایمان» با نظر به نهج البلاغه به میان آمد، رجوع شود.

<https://eitaa.com/matalebevijeh/۲۰۴۴۱> موفق باشید